



مقطع تحصیلی: کاردانی رشته روابط عمومی   ترم: دوم سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹  
 نام درس: ارتباطات و رسانه   نام و نام خانوادگی مدرس: سیدحسین قوامی  
 آدرس ایمیل مدرس: [galamandish@gmail.com](mailto:galamandish@gmail.com)   آی دی مدرس در تلگرام: @ghavami

### جزوه درس هنر و ارتباطات مربوط به هفته هفتم (V)

text: دارد  ندارد    voice: دارد  ندارد    power point: دارد  ندارد   
 تلفن همراه مدیر گروه: .....

### هنرهای زیبا و کاربردی

تجربه بصری انسان نخست به خاطر یادگیری، فهم و واکنش او نسبت به محیط است. قدیمی ترین مطلب ضبط شده از انسان به صورت تصویر است و نزدیک به ۳۰ هزار سال پیش ترسیم شده است. گذشت زمان هنر را به دو گروه هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی تقسیم نموده است و در هر برهه‌ای از تاریخ دچار تغییر و دگرگونی گشته است، ولی مهمترین عامل جدا نگه داشتن آنها از یکدیگر جنبه مفید بودن و زیباشناسی آنهاست. در هنرهایی چون نقاشی، معماری، مجسمه‌سازی، و صنایع دستی بیشتر به هنرهای زیبا نزدیک است؛ درحالیکه طراحی صنعتی، گرافیک و عکاسی در زمره هنرهای کاربردی بشمار می‌روند.

### رابطه زیبایی و هنر از دیدگاه اندیشمندان ایرانی

هنر در نزد عرفا و اندیشمندان ایرانی معنایی فراتر از معنای امروزی آن داشته است و در سخن برخی از متفکران ایرانی «هنر» تعریف عرفانی - معرفتی داشته و بیشتر به معنای نیک‌مردی بکار می‌رفته است. در زبان فارسی قدیم فضایل چهارگانه شجاعت، عدالت، عفت و حکمت عملی به معنی هنر گرفته شده و هر که این چهار خصلت و فضیلت را داشت، هنرمند نامیده می‌شد. معنی دیگر هنر، دانستن چیزی توأم با ظرافت و ریزه‌کاری است و برخی شاعران هنر را در دو معنای کمال اخلاقی و توانایی جسمی گرفته‌اند. با مطالعه اشعار شاعران مختلف درباره هنر خواهید توانست معانی مختلف هنر را کشف کنید.

### هنر در شعر حافظ

گر در سرت هوای وصال است حافظا / باید که خاک درگه اهل هنر شوی

تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافری است / راهرو گر صد هنر دارد توکل بایش

کمال سر محبت بین نه نقص گناه / که هر که بی هنر افتد نظر به عیب کند

عاشق و رند و نظربازم و می‌گویم فاش / تا بدانی که به چندین هنر آراسته‌ام



قلندران حقیقت به نیم جو نخرند / قبای اطلس آن کس که از هنر عاریست

### هنر در شعر مولانا

سامری را آن هنر چه سود کرد / کان فن از باب اللّٰه اش مردود کرد  
ای خرد ار بحرایی دم مزن و دم بخور / چون هنرت خامش نیست بر چه هنر عاشقی  
دارد هنر و هزار دولت / افسوس که آن دگر ندارد  
صورتگر نقاشم هر لحظه بتی سازم / وانگه همه بت‌ها را در پیش تو بگدازم  
صد نقش برانگیزم با روح درآمیزم / چون نقش تو را بینم در آتشش اندازم

### هنر در شعر سعدی

هنر باید و فضل و دین و کمال / که گاه آید و گاه رود جاه و مال  
سعدی هنر نه پنجه مردم شکستن است / مردی درست باشی، اگر نفس بشکنی  
خردمند مردم هنر پرورند / که تن‌پروران از هنر لاغرند  
گر فریدون شود به نعمت و ملک / بی‌هنر را به هیچ کس مشمار  
صوفی و کنج خلوت سعدی و طرف صحرا / صاحب هنر نگیرد بر بی هنر بهانه

بنابراین روشن می‌شود که اندیشمندان مسلمان، هنر را به معنای عام کلمه به کار برده‌اند و در تفسیر آن از لفظ جمال و حسن با استناد به حدیث نبوی (ان الله جمیل و یحب الجمال) بهره گرفته‌اند که این الفاظ با هنر عام ارتباط می‌یابد و ارتباطی مستحکم با اخلاق دارد. اندیشمندان اسلامی اخلاق عالیه انسانی را نیز در شمار زیبایی قرار می‌دهند و معتقدند که زیبایی‌های معقول نیز به مانند زیبایی‌های محسوس و حتی بیشتر از آنها در انسان ایجاد لذت می‌کنند.

علامه جعفری علت جدایی زیبایی از اخلاق را در نزد برخی از متفکران غربی ناشی از حس‌گرایی افراطی می‌داند که آنها کوشیده‌اند وجود هر چیز حتی زیبایی را در محسوسات ختم کنند. حال آنکه به اعتقاد وی، حقیقت زیبایی امری معقول است.

شهید مطهری نیز معتقد است که اخلاق مربوط به روح زیباست و باید حس زیبایی را در بشر پرورش داد چرا که چنانچه بشر زیبایی مکارم اخلاق و اخلاق کریمانه و بزرگووارانه را حس کند، دروغ نمی‌گوید و خیانت نمی‌کند. علت اینکه بعضی افراد دروغ می‌گویند این است که زیبایی راستی را درک نکرده‌اند. علت اینکه بشر خیانت



می‌کند این است که زیبایی امانت‌داری را درک نکرده است. باید ذوق زیبایی او را پرورش داد تا گذشته از زیبایی های محسوس، زیبایی‌های معقول و معنوی را هم درک کند.

مطهری به جنبه های ذوقی و لذت‌بخش هنر نیز توجه کرده است. به اعتقاد وی انسان از راه هنر است که احساسات و عواطف و ادراکات و آرزوهای خود را به نمایش می‌گذارد. در باور مطهری زیبایی برای انسان موضوعیت دارد. لذت‌جویی از عوامل توجه انسان به زیبایی است. انسان زیبایی‌های طبیعت را دوست دارد و از دیدن آب صاف و زلال، دریا، منظره‌های خیلی عالی، طبیعی، آسمان، افق و کوه‌ها لذت می‌برد. این لذت فراتر از لذت جسمانی است. لذت روحانی با فکر و تامل توأم است و اختصاص به اشخاص تعلیم یافته، متفکر و سعادتمند دارد.

### مفهوم هنر ذهنی (هرمنوتیک)

حتی خود هنرمندان هم نمی‌توانند تعریف کاملی از هنر داشته باشند. زیرا دیدگاه افراد متفاوت است. چون مفهوم هنر ذهنی است اما تعداد هنرهفتگانه جهانی تعریف شده و مشخص است.

هنر وسیله انتقال مفهوم درک شده در لحظه خاص توسط هنرمند از زمان، مکان، طبیعت، تاریخ و یا هر موجود دیگر به بیننده یا شنونده است. به همین دلیل هنر اغلب برداشتهای ذهنی از محیط است.

هنرمند برداشت خودش را از یک «آن» به سایرین عرضه می‌کند. توجه به تکرارهای یک هنرمند از یک اثر نشان دهنده آن است که حتی خود هنرمند هم ممکن است از هدف خود راضی نباشد. بطور مثال نقاشان بارها و بارها یک اثر نقاشی را تکرار می‌کنند و آهنگسازان بارها نت موسیقی خود را تغییر می‌دهند تا به آن لحظه ثبتي برسند که در ذهنشان وجود دارد.

از این رو واقعا نباید انتظار داشت، آنچه را که هنرمند بازتولید می‌کند، دقیقا به همان خوبی که خودش لمس نموده است، توسط سایر مردم درک و فهمیده شود. از سوی دیگر باید دقت کرد دنیای ذهن همه انسان‌ها مانند هم نیست از این رو هر هنری که ارائه می‌شود، تاویل‌های متفاوتی از آن ارائه می‌گردد که به آن هرمنوتیک گویند.

هرمنوتیک یک اثر معتقد است؛ پس از این‌که اثر تولید شد، هر شخصی مطابق با ذهن خود و میزان اطلاعاتی که از جنس آن هنر دارد، از اثر برداشتی خواهد داشت. این برداشت منجر به لذتی کاملا شخصی و خصوصی خواهد شد.

با این برداشت از هرمنوتیک باید بهتر بفهمیم چرا در میان قومی هنرتجسمی پیشرفت زیادتری از به طور مثال هنر موسیقی داشته است. یا بهتر به این سوال پاسخ بدهیم چرا ایرانیان شاعری برگزیدند و رومیان مجسمه‌سازی



و نقاشی و چینیان آینه کاری. ایرانیان شاعری را برگزیدند چرا که ذهن اغلب مردم با شعر آشنا بود و سخنوری را خوب می فهمیدند و ارتباط بهتری با آن برقرار می کردند. حال آن که رومیان مردمی دیداری بودند و گچ ببری، نقاشی و مجسمه سازی را بیشتر می فهمیدند.

توجه هر قوم به یک هنر نشان از آن دارد که این هنر توسط مردم آن منطقه بهتر از سایر هنرها درک می شده است. وقتی نظامی شاعر قرن پنجم، تاریخ سنگ تراشی فرهاد را با شعر بیان می کند و برای آن دلیلی عشقی و احساسی می آورد، به این مفهوم است که در زمان نظامی هنر سنگ تراشی فرهاد منسوخ شده و یا خریدار چندانی نداشته است. از این رو فرهاد را نه به عنوان هنرمندی سنگ تراش که به خاطر عاشقی دلخسته که از قدرت عشق مدد جست و کوه را کند، معرفی می شود.